

MS BW
IVANOW
0112

C

001618157

112

Niṣāḥi's-sibyān
(verit. Ar. & Pers. dictionary).

بفتح

برکت شاد

تاریخ ۲۷



بسم الله الرحمن الرحيم و بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين والعاقبة للمتقين والصلى على رسول الله و آله و صحبه اجمعين السلام
 فردی که بخواهد بفرایند آیه ۵۵ نصابم را بخواند که علم حواشی
 حسد خافده و حسد خاسده را حرکت السمال محل البدن و حرکت السمال
 محل البدن که صابر ایستاد بر علم نعمت بر عیت می افشار
 فارسی و عربی و حبش این سه سر طبعهای موزون را در علم
 بعد کلید نده علم با مست یس قدری از آن بس که درم نامی
 یاد کردند بر خنری را از علوم میان این قطعه ها در آوردم تا بنویسند

و خواندن این سوره کبریا رغبت افتد و چون این مجموع در دست
مست اندازد انصاف الصبیان نام کرده و مالم المومنین

به کربلای تقرب نمایی بدین وزن میزان طع ارای

فعلول معلول معلول معلول **القطعه الادویه**

حکمی بگوئی نه دسرای

الله است السور حمان خدای
خ خ خ

دینست وادی تو کوره بهای
خ خ خ

محمد ستوده یقین استوار
خ خ خ

تقران شاکست و برا حادی

صحاب ایاران والای
خ خ خ

که اسلام و اسلام باری

بستمر است مندر محمد رسول
خ خ خ

خدیجه چهار است ای بیکی

اول

او بگرد عمر امان بان دین

جو عثمان و خدر زمار اسبی

۳ ۴

سپه اسمان ابرو غرارین

ع ع ع ع ع ع

محل و مکان و محالست حامی

ع ع ع ع ع ع

سعد و رخ و مار السرمی

ع ع ع ع ع ع

که جنت بهت است احمر ان سبی

ع ع ع ع ع ع

ریمش قعابره دوحه روی

ع ع ع ع ع ع

مخدران عقب باشند حلای

ع ع ع ع ع ع

سفت لبان چهره بان جمان

ع ع ع ع ع ع

بد و چار حبه و حلقوم نای

ع ع ع ع ع ع

خبر سست و عمل اسرجه

ع ع ع ع ع ع

نفر است و سر صغری

ع ع ع ع ع ع

رحل مرد و مرا زان و رخ جفت

ع ع ع ع ع ع

عنی بالدار است سکین لیدی

ع ع ع ع ع ع

کلمه سانه را علم
ع ات بع ب

کلمه سخن کو کرم حسن ده
ع اب غ ب

کران خود را طرلم سرود
ع ع غ ب

مالست کار مرد عدل است
ع ب غ ب

بدار استی کد فرود دروغ
ع ب غ ب

عقونی در مقام حرم راست شیر
ع ع غ ب

بلوکوره را بشنودان شهر مباد
ع ع ب ب

تصوم را فردرود بر مزابی
ع ات غ ب

ترجمه خدای اسحق سانی
ع ب غ ب

دلی صبح جک است در ماری
ع ب غ ب

حوسوع حرم حله است دلی
ع ب غ ب

عقیق و حضور دروغ یار سانی
ع ع غ ب

صومعه حرم حله اندیشه رای
ع ع ب ب

دکتر را طاق دان طاق مادی
ع ب غ ب

نحی

یمن صبا و بهار و شنی
ع ب ع

تور است مل لود و ای
ع ب ع ب

بیون سور سم و ملند
ع ب ع ب

لود لود عی المعی سر رای
ع ب ع ب

حقین حد و من و حری
ع ع ع ع

سوارا که داد و در ای
ع ب ع ب
الطفعة الی فی البحر المحبت
رخ لوبه ملک و لبری ته تابان

ر می لکس جانها و لوسه و اد
مفاعلسن معلق

ن
بکوی محبت این حراد و حوس و حوا

مفاعلسن معلق مفاعلسن معلق

می صفت جوان و سبک لعل کران
ع ب ع ب ع ب
لعل سم راح المکة معدن کائن
ع ب ع ب ع ب

صبا و لور و سنار و سی اف و کران
ع ع ع ب ع ب

و همب برار و حد و همب برار
ع ب ع ب ع ب

کتاب در معرفت خداوند

خ غ ا ب ر ق ع

حرار سبب و مایه
خ غ ا ب ر ق ع

عصب فی مذهب
خ غ ا ب ر ق ع

عجاج و دفع و مایه
خ غ ا ب ر ق ع

شاسه باقی جان و خواصه
خ غ ا ب ر ق ع

صمد و لطف

بیوت و لغو و لغو
خ غ ا ب ر ق ع

حکمت نور عالمی کران
خ غ ا ب ر ق ع

مجن و سبب و مایه
خ غ ا ب ر ق ع

و مایه و مایه
خ غ ا ب ر ق ع

کلمه حکمی و موت
خ غ ا ب ر ق ع

قراغه و مایه
خ غ ا ب ر ق ع

سواع و لطف و مایه
خ غ ا ب ر ق ع

2

دوسری سیرت پیشانی
خ من خ من ع

امبل و خاشاک و حصوا سران حوال

ع ع ع
الغفران السبع الحرام
من اسد طهارت سحرى

شاه بهشتی محراب حرا

لوس جلمه رزق در درمی او دوسم

من خمی مخرجی حوسک طبر

10

چنانکه بگریز گریز و حصار
ع ب ع ب

چایطور مجیط سوزن جوهر سیم خار
ع ب ع ب ع ب

سقیق داور و در رفیق صاحب بار
ع ب ع ع ع ب

سفر جانی و لاهج سبیل انار
ع ب ع ب ع ب

حوالات و حسن و سحر و جادو
ع ع ع ب ع ب

شش است و مهر و کرم و حلقه
ع ب ع ب ع ب

مدینه و بلده و شهر و شهر و روض
ع ع ع ب ع ب

صحنه نامه قلم خامه دان و سبیل کار و
ع ب ع ب ع ب

بسیب عالم و عروسی غافل کول
ع ب ع ب ع ب

حدائق باغ و جنت جود و سعالو
ع ب ع ب ع ب

احد کی عشره و دوات حد امداد
ع ب ع ب ع ب

دکن و سبیل و سهامیه
ع ب ع ب ع ب

جود و شیرین و انوار و انوار
ع ب ع ب ع ب

انوار

جوار لعین جوار تحسین
ع ب ب ب ع

کریم ازین سعد و وصل بود
ع ۹۰۰ ع ۹۰۰ ب ب ۹۰۰

کمی دلاور مارکس سوار صدکار
ع ب ع ب ع ب

حوکل حرامه صا و لوک لبهار
ع ب ع ب ع ب

خراب فعل خزان مع فعل بهار
ع ب ب ع ب

ع ب ع ب

جوسه ستن بقا و استغفار
ب ع ب ع ب

عقار مهوه و راح و دمام و رف می
ع ع ع ع ع ع

عرب بدست و صور حلاوت بادید
ع ب ع ب ع ب

عقد کلب برده چل سیر و سیر
ع ب ع ب ع ب

درون جوک حب غصن ساج
ع ب ع ب ع ب

حوظ و حمط در حان خارا شوه
ع ع ب ع ب

معالفت کرمین کنار حرمین

خ ب ع ف
القطرانی

رحمت و کس سعادتی

کوان بعدوی این خطه نهان

دست و طفل که ام و الدو مادر
ع ب ع ف ع ب

حاکم صحر و الدو سید
ع ب ع ف ع ب

جلی آمدنی در سول بمصر
ع ب ع ف ع ب

بچه کادش از خط استوار مجور
ع ب ع ف ع ب

مرد در صد و خاطر ای بنیر پرور

فی الخرجت صد منی رکه

معا علین معلاسن معا علین معلاسن

وزن کون حرمین حرمین
ع ب ع ف ع ب

رحم و است بدان لود و ایا
ع ب ع ف ع ب

کسب پاک و صبی مهراں حرمین
ع ب ع ف ع ب

عظم دعا و ارا و جلال الستین
ع ب ع ف ع ب

ملک سیه ملک حنی
ع ب ع ب

شهادت دوزی دوزیم
ع ع ع ع

ملک سینه سینه
ع ت ع ب

رسمه و صندرن
ع ب ع ع

حل نبره بود و کاد و خل
ع ت ع ع ب

براره زنده رطمی
ع ب ع ع

معدود و در اسرار
ع ب ع ب ع

میان و وسط میان
ب ع ب ع ع

علات سندان
ع ب ع ب ع

مدوم محب و مصلد
ع ع ب ع ع

سواره و بر کن
ع ب ع ب

وساخ و عید
ع ع ب ع ع

بدی کشتن
ع ب ع ب

نصف اول اجزاء و اجزاء دیگر

ع ع ع ع ع ع ع

نصف بجز چهار است و همه بحر

ع ع ع ع ع ع ع

فراست عدت و انت و مو اکبر

ع ع ع ع ع ع ع

رباعه مخمسه اولست و فاکستر

ع ع ع ع ع ع ع

ادامه نان خویش و فاکستر

ع ع ع ع ع ع ع

عنان و ال دی و مطلق و طاق که

ع ع ع ع ع ع ع

شود سه و حد و اول و اشک

ع ع ع ع ع ع ع

نصف کره و یلمن فناء و بطارک

ع ع ع ع ع ع ع

اجاج و لمح و لعه و سمره و سب و سمر

ع ع ع ع ع ع ع

سه اره حد و لود و مارح و در و کار

ع ع ع ع ع ع ع

عین محمد و یق ارد و کاله سون

ع ع ع ع ع ع ع

حرام سبک و عواروم و الحام و الحام

ع ع ع ع ع ع ع

رکار و کمر و کمر و کمر و کمر و کمر

ع ع ع ع ع ع ع

ای کبریا سیم جت از سیم و از تعلیم

ما علان ما علان ما علان

فرع دفر دحب جوده مله خرم خرم

ع خ ب ع ب و

اصغر دمار مع حمه ردا
سبح

... 2000 ...

خداوند محرم و حرمه علم و حلم و شک

五

جود فیہ و خود جود حس و دلی خود

عرب

عین در رتبه است حکم و راهها

一 一

القطر الساقط من البرق في البحر
نزل ما لم يصب حردا لم يصب

حوادث کسی که این مجرای سید لوی

جون عثماني کور و ميان کمر کسری اخرو

تو

مبداً احمر به واسطه روشن شدن و ابرو

سید الشهدا

بسم صبا سکر بره مادودی

و

و غلط بیسای و حکمت و ایمان ۳
۴ ۵ ۶ ۷ ۸ ۹ ۱۰ ۱۱ ۱۲ ۱۳ ۱۴ ۱۵ ۱۶ ۱۷ ۱۸ ۱۹ ۲۰ ۲۱ ۲۲ ۲۳ ۲۴ ۲۵ ۲۶ ۲۷ ۲۸ ۲۹ ۳۰ ۳۱ ۳۲ ۳۳ ۳۴ ۳۵ ۳۶ ۳۷ ۳۸ ۳۹ ۴۰ ۴۱ ۴۲ ۴۳ ۴۴ ۴۵ ۴۶ ۴۷ ۴۸ ۴۹ ۵۰ ۵۱ ۵۲ ۵۳ ۵۴ ۵۵ ۵۶ ۵۷ ۵۸ ۵۹ ۶۰ ۶۱ ۶۲ ۶۳ ۶۴ ۶۵ ۶۶ ۶۷ ۶۸ ۶۹ ۷۰ ۷۱ ۷۲ ۷۳ ۷۴ ۷۵ ۷۶ ۷۷ ۷۸ ۷۹ ۸۰ ۸۱ ۸۲ ۸۳ ۸۴ ۸۵ ۸۶ ۸۷ ۸۸ ۸۹ ۹۰ ۹۱ ۹۲ ۹۳ ۹۴ ۹۵ ۹۶ ۹۷ ۹۸ ۹۹ ۱۰۰ ۱۰۱ ۱۰۲ ۱۰۳ ۱۰۴ ۱۰۵ ۱۰۶ ۱۰۷ ۱۰۸ ۱۰۹ ۱۱۰ ۱۱۱ ۱۱۲ ۱۱۳ ۱۱۴ ۱۱۵ ۱۱۶ ۱۱۷ ۱۱۸ ۱۱۹ ۱۲۰ ۱۲۱ ۱۲۲ ۱۲۳ ۱۲۴ ۱۲۵ ۱۲۶ ۱۲۷ ۱۲۸ ۱۲۹ ۱۳۰ ۱۳۱ ۱۳۲ ۱۳۳ ۱۳۴ ۱۳۵ ۱۳۶ ۱۳۷ ۱۳۸ ۱۳۹ ۱۴۰ ۱۴۱ ۱۴۲ ۱۴۳ ۱۴۴ ۱۴۵ ۱۴۶ ۱۴۷ ۱۴۸ ۱۴۹ ۱۵۰ ۱۵۱ ۱۵۲ ۱۵۳ ۱۵۴ ۱۵۵ ۱۵۶ ۱۵۷ ۱۵۸ ۱۵۹ ۱۶۰ ۱۶۱ ۱۶۲ ۱۶۳ ۱۶۴ ۱۶۵ ۱۶۶ ۱۶۷ ۱۶۸ ۱۶۹ ۱۷۰ ۱۷۱ ۱۷۲ ۱۷۳ ۱۷۴ ۱۷۵ ۱۷۶ ۱۷۷ ۱۷۸ ۱۷۹ ۱۸۰ ۱۸۱ ۱۸۲ ۱۸۳ ۱۸۴ ۱۸۵ ۱۸۶ ۱۸۷ ۱۸۸ ۱۸۹ ۱۹۰ ۱۹۱ ۱۹۲ ۱۹۳ ۱۹۴ ۱۹۵ ۱۹۶ ۱۹۷ ۱۹۸ ۱۹۹ ۲۰۰ ۲۰۱ ۲۰۲ ۲۰۳ ۲۰۴ ۲۰۵ ۲۰۶ ۲۰۷ ۲۰۸ ۲۰۹ ۲۱۰ ۲۱۱ ۲۱۲ ۲۱۳ ۲۱۴ ۲۱۵ ۲۱۶ ۲۱۷ ۲۱۸ ۲۱۹ ۲۲۰ ۲۲۱ ۲۲۲ ۲۲۳ ۲۲۴ ۲۲۵ ۲۲۶ ۲۲۷ ۲۲۸ ۲۲۹ ۲۳۰ ۲۳۱ ۲۳۲ ۲۳۳ ۲۳۴ ۲۳۵ ۲۳۶ ۲۳۷ ۲۳۸ ۲۳۹ ۲۴۰ ۲۴۱ ۲۴۲ ۲۴۳ ۲۴۴ ۲۴۵ ۲۴۶ ۲۴۷ ۲۴۸ ۲۴۹ ۲۵۰ ۲۵۱ ۲۵۲ ۲۵۳ ۲۵۴ ۲۵۵ ۲۵۶ ۲۵۷ ۲۵۸ ۲۵۹ ۲۶۰ ۲۶۱ ۲۶۲ ۲۶۳ ۲۶۴ ۲۶۵ ۲۶۶ ۲۶۷ ۲۶۸ ۲۶۹ ۲۷۰ ۲۷۱ ۲۷۲ ۲۷۳ ۲۷۴ ۲۷۵ ۲۷۶ ۲۷۷ ۲۷۸ ۲۷۹ ۲۸۰ ۲۸۱ ۲۸۲ ۲۸۳ ۲۸۴ ۲۸۵ ۲۸۶ ۲۸۷ ۲۸۸ ۲۸۹ ۲۹۰ ۲۹۱ ۲۹۲ ۲۹۳ ۲۹۴ ۲۹۵ ۲۹۶ ۲۹۷ ۲۹۸ ۲۹۹ ۳۰۰ ۳۰۱ ۳۰۲ ۳۰۳ ۳۰۴ ۳۰۵ ۳۰۶ ۳۰۷ ۳۰۸ ۳۰۹ ۳۱۰ ۳۱۱ ۳۱۲ ۳۱۳ ۳۱۴ ۳۱۵ ۳۱۶ ۳۱۷ ۳۱۸ ۳۱۹ ۳۲۰ ۳۲۱ ۳۲۲ ۳۲۳ ۳۲۴ ۳۲۵ ۳۲۶ ۳۲۷ ۳۲۸ ۳۲۹ ۳۳۰ ۳۳۱ ۳۳۲ ۳۳۳ ۳۳۴ ۳۳۵ ۳۳۶ ۳۳۷ ۳۳۸ ۳۳۹ ۳۴۰ ۳۴۱ ۳۴۲ ۳۴۳ ۳۴۴ ۳۴۵ ۳۴۶ ۳۴۷ ۳۴۸ ۳۴۹ ۳۵۰ ۳۵۱ ۳۵۲ ۳۵۳ ۳۵۴ ۳۵۵ ۳۵۶ ۳۵۷ ۳۵۸ ۳۵۹ ۳۶۰ ۳۶۱ ۳۶۲ ۳۶۳ ۳۶۴ ۳۶۵ ۳۶۶ ۳۶۷ ۳۶۸ ۳۶۹ ۳۷۰ ۳۷۱ ۳۷۲ ۳۷۳ ۳۷۴ ۳۷۵ ۳۷۶ ۳۷۷ ۳۷۸ ۳۷۹ ۳۸۰ ۳۸۱ ۳۸۲ ۳۸۳ ۳۸۴ ۳۸۵ ۳۸۶ ۳۸۷ ۳۸۸ ۳۸۹ ۳۹۰ ۳۹۱ ۳۹۲ ۳۹۳ ۳۹۴ ۳۹۵ ۳۹۶ ۳۹۷ ۳۹۸ ۳۹۹ ۴۰۰ ۴۰۱ ۴۰۲ ۴۰۳ ۴۰۴ ۴۰۵ ۴۰۶ ۴۰۷ ۴۰۸ ۴۰۹ ۴۱۰ ۴۱۱ ۴۱۲ ۴۱۳ ۴۱۴ ۴۱۵ ۴۱۶ ۴۱۷ ۴۱۸ ۴۱۹ ۴۲۰ ۴۲۱ ۴۲۲ ۴۲۳ ۴۲۴ ۴۲۵ ۴۲۶ ۴۲۷ ۴۲۸ ۴۲۹ ۴۳۰ ۴۳۱ ۴۳۲ ۴۳۳ ۴۳۴ ۴۳۵ ۴۳۶ ۴۳۷ ۴۳۸ ۴۳۹ ۴۴۰ ۴۴۱ ۴۴۲ ۴۴۳ ۴۴۴ ۴۴۵ ۴۴۶ ۴۴۷ ۴۴۸ ۴۴۹ ۴۵۰ ۴۵۱ ۴۵۲ ۴۵۳ ۴۵۴ ۴۵۵ ۴۵۶ ۴۵۷ ۴۵۸ ۴۵۹ ۴۶۰ ۴۶۱ ۴۶۲ ۴۶۳ ۴۶۴ ۴۶۵ ۴۶۶ ۴۶۷ ۴۶۸ ۴۶۹ ۴۷۰ ۴۷۱ ۴۷۲ ۴۷۳ ۴۷۴ ۴۷۵ ۴۷۶ ۴۷۷ ۴۷۸ ۴۷۹ ۴۸۰ ۴۸۱ ۴۸۲ ۴۸۳ ۴۸۴ ۴۸۵ ۴۸۶ ۴۸۷ ۴۸۸ ۴۸۹ ۴۹۰ ۴۹۱ ۴۹۲ ۴۹۳ ۴۹۴ ۴۹۵ ۴۹۶ ۴۹۷ ۴۹۸ ۴۹۹ ۵۰۰ ۵۰۱ ۵۰۲ ۵۰۳ ۵۰۴ ۵۰۵ ۵۰۶ ۵۰۷ ۵۰۸ ۵۰۹ ۵۱۰ ۵۱۱ ۵۱۲ ۵۱۳ ۵۱۴ ۵۱۵ ۵۱۶ ۵۱۷ ۵۱۸ ۵۱۹ ۵۲۰ ۵۲۱ ۵۲۲ ۵۲۳ ۵۲۴ ۵۲۵ ۵۲۶ ۵۲۷ ۵۲۸ ۵۲۹ ۵۳۰ ۵۳۱ ۵۳۲ ۵۳۳ ۵۳۴ ۵۳۵ ۵۳۶ ۵۳۷ ۵۳۸ ۵۳۹ ۵۴۰ ۵۴۱ ۵۴۲ ۵۴۳ ۵۴۴ ۵۴۵ ۵۴۶ ۵۴۷ ۵۴۸ ۵۴۹ ۵۵۰ ۵۵۱ ۵۵۲ ۵۵۳ ۵۵۴ ۵۵۵ ۵۵۶ ۵۵۷ ۵۵۸ ۵۵۹ ۵۶۰ ۵۶۱ ۵۶۲ ۵۶۳ ۵۶۴ ۵۶۵ ۵۶۶ ۵۶۷ ۵۶۸ ۵۶۹ ۵۷۰ ۵۷۱ ۵۷۲ ۵۷۳ ۵۷۴ ۵۷۵ ۵۷۶ ۵۷۷ ۵۷۸ ۵۷۹ ۵۸۰ ۵۸۱ ۵۸۲ ۵۸۳ ۵۸۴ ۵۸۵ ۵۸۶ ۵۸۷ ۵۸۸ ۵۸۹ ۵۹۰ ۵۹۱ ۵۹۲ ۵۹۳ ۵۹۴ ۵۹۵ ۵۹۶ ۵۹۷ ۵۹۸ ۵۹۹ ۶۰۰ ۶۰۱ ۶۰۲ ۶۰۳ ۶۰۴ ۶۰۵ ۶۰۶ ۶۰۷ ۶۰۸ ۶۰۹ ۶۱۰ ۶۱۱ ۶۱۲ ۶۱۳ ۶۱۴ ۶۱

10

ن

سجده از بر دهنج چه سکنه کند

اسح کسه در طبعش عاقل

اسل و اقطع سبب ان اسح

مستش
فعا به داشتد کامی بسطع

دلش خوار و عمره ارجمیده است

مکسبه و عظم سخنان صغار

خوفند و دلبسته گردان

نوازیع بر است و عید کعبه

ولی حاشه دگر کی بگویم کلبه

مصیبتی آمد و طراک در احوال خود

جفا که لغزان سح اردو نهند

جده و عظم و مسرت نفع مار و لوب

سهر که بچو خیمه کنان معامله حکم

کبر فز لغارب شود آشتباه

ایا غارت شد یک جور سیه باده

نحو ان حوسن بن بحر صبحگاه

محول محولن محولن فتول

طریق در بن و طریقت راه

تسمیه حب و اهد و طریقت بکلاه

نوشن یا کهن دان با سید باده

عصر حواس طار و مالک سر

دم و صله حبش عکبریا

صی کو درک شیخ خواجہ نفس

عشاق و خفین فلک صبحگاه

عدو با باد ادراس بوم

دولت و عورت و بخت و لو

ری حب برد و فلست است چاه

عدو اسل سند و دادوی

حواس سفید و اسود سیاه

حی حرد است و نه خرد

خطا جرم و تب و عصیان مباد

حطب نهم است و مرام و حب

دور و غمت کلا و ان کبیاد

بنا و سفر خای مکر بختن باد

بلا و دمه و است و بلای باد

حکیم و اور و محکم حای . او

ولی منه بچو شاید کوبد

و حای نهی رفتن و آمدن

شیخ و کس و سیاه

الهم

ریشکفته سسورایای در کل

زستون خجسته لایه راداع برل

لغاب این ذن کروزه حاصل

فعلون فعلون فعلون

وطن جاگه گرم زر مع مندر

بر آب عام و سدی احاک وطن

هرست نامت روشن به شکل

ده اند و زنا حین به کی را

چو مراح و عاطف حطی و موبل

محلی مصیبتی بسی و ما لی

لطم و کسب خاک و عوی

مواست و ملک و حیان و حاصل

بدان ده و دوی کز لیا الحان سکین

کمی مبت فاسور و کرچه پسر کن

انام بدی مخدوسی سرا هی

در اسمای اسپان بکعبه کل

العظمه العاشره فی الحارثه

حوسه است از کونا کر حصف

درن اداصل شنبوی لطیف

معللین مفاعیلین معلن

کل شی من الطریف طریف

من عن الالی اوصی

این گوشت چون ام داد ما

فی درستی غلی اردکم حمد

بجن دنا انا دانا ما

ان دلو کرسی اکی
الما

ایم کسم سادوا اهر و

جون اما اسی دای من

دی ویدی ویده اس زن

ملک ان زن خود اکت اهر و

و بس و مل بس بعد بس

صه بکومه کن فرغ و در زمان

۱۲
انما نحو حسامیه جا

اس لواب زن دی نهبا

ما خود صحت من که دفع با

مرد را داد و دست با بهو ا

کم اکا د سا بها احسا

ل مردی مرا ابا ما را

لم دلساه و بهلم سا

بغیر جبهه طاهر کبریا الهما

ره در عادی

بسم بسیر و میدا که بار

ز بی سای لوجو بان نهاده روی

قد چو سیر و تو عشاق است عروار

سفا علین بعد از ن سفا علین

کوی محبت و حسن الجو در عام محار

رحا اید و گشت و سوع حل حوار

ردای و نصیب عدل و صوفی ادوار

حصص و عامر خور و سحر و دید و

لغای و رنود و لب و کد و بهر فرار

طعام خور دنی و مغل ترب و بلک

اگر کرج و مرقن شور ما علو افار

فیقه

فقیه و مجتهد طهرانی

مدد ما و یمن و طهرانی

محمد و علی و یمن و طهرانی

کراخ و یمن و طهرانی

سهند و یمن و طهرانی

رعف کرده و یمن و طهرانی

الوالاح حاکم و یمن و طهرانی

حون و یمن و طهرانی

قطع و ان و یمن و طهرانی

حاکم و یمن و طهرانی

صغر و یمن و طهرانی

حد و یمن و طهرانی

سند و یمن و طهرانی

نکیر است و صواب است و عزم

عطاس عطفه عطف لا عطفی حوام

حان دماغ و بدان بدل لحن

علامه علین محمد اسکاره بود

ضمیر و کبریه اندیشه سرد و کوارار

ای قدرت سرد و حرمان بی حرمانم

سازد و کزین بار و کزین مقام

فاعلا تن ماعلا من ماعلا

بمحو بل بعد از ان بسطع و جوان

فرم و عطر لاف و علاء سلیم

تمیز است و در سبب سردی نام

عقودت است کار و قول گفت کرد

جهت سلو حاربت که کسان بسطخ نام

لونی کجی کج لونی باوچم و عزم

لوم جواب سببی نعد دوری کام

رید مسکدین و غن و غن سبب و عزم

کور کورده و صعه کاسه در دیک کاسر

لعل لعل لعل تره ریح کس لعل

کدس خرم جرمه و صعه درام

لعل و س صرم و ندان لعل و حلدنو

صدج حو اندرون جس حلدی کام

ادبی دلی سان مر و صمی بری

احمر و دوشو پاره عزم ناوان و درام

سهم عارنی صحت سبب کمر

فج دوم رر و خون العزم می الی کام

اصبع اکسب اکسب اکسب اکسب

اسر

بار سبابت و شیطانی صفر و خفایم

عام و جوانی محمد سال اسوع و عقیقه

سکه محمد اوسته حال پایام

حون احد کشته و اس ملنا الرعا

بخت شسته سکه چهاردهم

صحن ایوان دادان و صد در آن

غذوه کمره ماه و ان محمد و صبح

بسی جمال نوامروزه در بر سر

حاجدک نو اندلسه در سر

مفاعیلین معدن مفاعیلین

کوی تخت و نقلین ته هم سرور زمر

سارده لطل و ماسن سبی و لبر

سعره و کنان حور و حایر شهر

عصمه

عصفور است درخت و چار و دلبات

رما و نهف صفت سها و سحالی

بهم و عت در سب و سمر

کل عجمه رشه م و سب و سمر

مفعول معا علن معا علن مع

محمد بن ابی بکر است سب و سمر

نوره اس اس کلاب مردان جدا

هر بر و مسوره و صند و صم

بدول نیا و نیا و سحی و سحی

امها بجه حلت و سمر سیرا

در کرد و سب و اسن کل بر عطا

احرب برح است اسن کسیر

اس عید سافست نلی و سمر

فرمودند دستن ای یک صفا

ای ماه رخ صبر کنی محنت

بلک دل من ترا شده لعل

معمولین معمولین بها علین مع

این بحر موج را لعل جوان با نغمه

اغلام می حمرد و عیاس بدان

لو طالب هم را در کار جوان

عداق رسد است الوهیت و کر

عداوتی آمد ای یک شان

در بحر رخ ز جاد بسیار آید

داین بحر نهند به در کار آید

بیطمع کسی به پذیرا آید

به جفت می که پاک بودند به

بسم الله الرحمن الرحيم

بسم الله الرحمن الرحيم

محمود محمد سودا ام سلمه

در سنه دلت جو خاره اورم

در سنه حواء لودم و دهم است

مفعول مفاعله مفاعله مفعول

بحر مخرج احمر لودم است

مرزندی کاسم دارا کاسم است

سن طیب و طاهر و عظم است

با ما طمبه و دمه و ام کلثوم

رنب شمراره اسر لعلم است

ای مستری شمایل خورشید و لوله

حسن رخ لورک به جاده

مفعول فاعلات متفعیل فاعلات

حکمر صارع این نوزادی نام آورنده

مضیان صحاح ده بودند

عایشه کتاب کرده است تو

حلفاء و معاود و بود در دا

اشعری و کشف در دای

مولاد و از ده است می را کمی

و کفر و صاله اکت سع است بی

بومان راجح و صالح و بد عم بر بند

تورافع و صمیر و کسه و مو بهر

در یک کحت این کسر است امام

در لسته الو علی بن مرزوار و امام

مانع ریده این عام است امام

عالم و علی و حمزه از کوفه تا م

در سبقت نسو و مجنون

اسن لوع رباعی شرح اصر

بالم کن در نر ابر ابر

فتح دس نش بر سر جان

خون شد و ما معون

حالی خراب اس کتر

ای فدیو در کت جان و روان

مفعول مفاعله مفاعله

لور و ج و الفال مدی مندان

سج اول مد سمع در عدد و خدید

حرمة طلاق حمة صف مسحه

بیر و بریح ساز ما

چتر

معمول و معانی فصول

ای باکدی محسن

دو ماه هشتی آندو طعی

بوکر و عمر و علی و عثمان

طلعی است در سر دلو عبده

سعد است و سعید عبد الرحمان

سوره هجده چهارده اسرار

جامع صد چهارده اسرار

در سر دلو طعی معنی قلعه

حدیثین ادا الجان بک السلام

کسکه دفنا نم بستم آنکه

عموم و نظاره و نسخ و سلام

رجه دیدم که در شرق را دیدم

۱۸ حمد در سنج و در لعل دلالت

خون جل خفته و در جگر اودن

سنبیل و نیز این غم و غم و غم

بسنوای نه غمت افلاک

درن بحر حقیقت و شرباک

فاعلاتن معاعلن فعلین

و در دمای کز دست اصل ک

حسن و لاوع است و اغنای

خدری و محمد و حکاک

نامحس در حوده کاسر و ضاعط

دان مفتح کرد و عصل شد جاک

صربان و بفصل و امب یار

دان سلی کردست اصل ک

بدان ای کحل که ریهت جوین بسیار

نیرج کحلطف و ایدار

مفاعیلن مفاعیلن فعول

شهور و روم این شبت چهار

دو سرین دو کالون در لک

شباط آرزو سان ایبار

جریان ز نور داب و المول

نکندارش که ازین باد کاهدا

حوار کربح حرم شود دل

سودا اش جانها می صل

مفاعیلن مفاعیلن فعول

حسن لعل کز خوش می و عائل

از محرم حوکه نشینی چه بود ماف

دور مع دو دیار کس مکمل

پس بد فیده دوی حکم لطر

بان جور واد و مو که مر واد می باید

جور و همین حرا عبد ار ماه مواد

فوس و حور استی بی ارم

مهر حل است جدی دو بو مقام

خانه آفتاب شهر داسم

درب ان سجان معانی سوال

رغور ووی حو کشی به از وی

پس ار سید لور دار مر لمان اری دی

حمل و عطر است نابرام

لور و منبران جو خانه زبره است

سر جور و خوشه به سلطان

چشم آن برکت کاوش

میرند میر غره بر دل رب بس

فاعلان معا علن فعلن

حوان به کج حقیقت ای درویش

خور مجور آسی دووی کلب

حمل دلو رسد مالش سن

دلو و حوت عورت سران کی

منت دت قوس و جدی یی کی کم و

لاد لالاب ولا لالش سست

لال کطو لطل لالش شهر کونه است

موش و نعر و ملک و حر کوش شمار

رس جان و کمد ری به یک اید و مار

الکامار و کوس سجد است حنا

حدوده و مزاج و سبک و حرکات

صورت و انی نو کردی ارس غلام

منی در باغ عی سلس است

سعد و حدی سکن است

ابالاله ساروزن شمایل

مغولین مغولین مغولین

اشعور و خیر و لیلان

اسامی کس و لغز و لغز

مغولین مغولین مغولین

محاصره و لغز و لغز

می در باغی سلس است

که موسسه خشت مردم نروزل

لغز و لغز و لغز

مردانمار و عابد زیارت

انگشت نقیض بار و ده سست

دو می خفت و مرصاست

روزی صفا و دگر مسمی

چند ششست راز رسی و شکار

و به دست سرب و این حل

روح و حسن چهره و چو چار

ای که نه خورشید صارت محلی محو باد

در ماه نسا به رهت راکه کاد

فا علان فاعلان با علان با علان

حیدر در بحر نعل اسن بطور حوان صحکاه

نه طله سوبی الحرام اگر بر شنی

اصلا و زین و او هر یکی بی شناه

درین

در لکن رسوالم اسر ب من رحل

د ف نام لازم اند ما خوب خوب

حور و دکلان و کرد و بلند و دراز

بهشتی بحسب شادی

سبح و ستوده با شایر

کف ساه می رود عهد و کلاه

ضمیمه کری گنم گنم گنم گنم گنم

معه ندو این کی عیش و شادی

بنام ایران نطف و چهار خمر

ماریک و یک سر و عهد و پیمان

روح در کن با سالی رخ

بست و نام و چهار و پنج

رحمی در کنی دهنه مرغ و پیمان

علم و عالم و علامه و نام و سمان

جبار و اهل و دومی و درار و مظاران

سنا و صفت و سیران و سمان

صدر حاسع و مرغ و حال و ملکی و سنان

دما و لکل و سمد و صفت و سنان

حری و سواد و فی و اکس و لا و سنان

کلی و سجان و دم و سمان و سواد و سنان

سما و عارض و فرن و علم و سمان

ربع اسم و بهار آمد و حرف و سمان

کلف و عس و لاف و سمان

عدد و حصم و سمان و جد و ارد و سنان

ابی و کش و لطف و کامل و طری و مار و سنان

شعب و طوی و احو و سنان

بی

۱۲
لعلی و سنی ز بر کار و مخفی سکو

سفن سیمان کد زنده جدر حیدر حرا

و مدح و دست تح والم در و حوا

اوط شود و اوار و من بد حول کربان

حصار و سیم سرق و سخن کرم حرم غلین

فرح سادوی و سدر و حلال

صحر و دی کسری فکر کالی سحر

و در و لب بادی طلب حرم

غمار و سنار و صلا فی لکاره

صف سید و حور و شم و صبا

عمر و عمل و عاید و عید و شکر

رب کف و سن خط و منظر حرا

ردا و مهر و معانی و سدا

خود و دوستان و اولاد خود سکسان

حر حر کار عام ارکان نجوایی در سخن

لیح سک لقطع او خون برکت کو بکن

ستفعلن سفعطن سفعطن سفعطن

بر مرد رحمت پوشودار کردن صرح کهن

طور و حمل طود و علم کو هست و جارس سامان

طرم و عمل اری او صر شیدا محال الجان

بیزان برادر حمل مار و مر ضر و ارمی بود

طک و سفه حار کسبی عرس امان

لوح و سکاک حو هو اعلان مرد و حالی نمی

ساح بلند و فله سه سراج سلم بر امان

حسم سه سحر و طلل حوایی حتمل ویدن

رن استی کون کون مهنه جان

سوداد

سنور و طوطا و حنظل و هر که کلاه کبک

بر عورت کند دل در ده مورده عالم جهان

قلب کبکی در حبس حوسنی شربت لک

حدت لوی کلاه پری اسودوسی

لایع کران بالع ریان کل جوران بالع

طاهر بران طاهر بران جاری روان اساع

جمع و مرق و موم و موره اسود کرده

طالع سکه سکوی کلاه کبک رانی شیان

عی و صلاکت کرمی معصوم عداوتی

لها حب و بران می بیان سان اساع

صالح سکوط الحانه بدیدین

مسعود ریان اسودت ان طاهر بران

ای سبزه که بنت دل سبزه حار حار

جان پوایی او ب خون کشته شد

مفعول فاعلات

این بحر امضای دوان ای سوخت

نیراب دوان دمی نام خود است

خون بجا پناه ملک شهسود است

کل جمع و فاعله دوان

شهر است و اصف همه در دست تو

حد فزین جبر کتب خال است

ز بی دلباس کسایت خون جگر است

ما حار و ملق حذر حرر کر

صحن سداب قوم و دود و دایک

دایک و دود و دایک و دایک

ماه شب چهارده بدر است و شش

ناله

ما به سپاسی بود و ما بیا بخت

ای خط یک کنگ اما ای

و دق که خفت اگر دار می

ما عیان من معا بلین فعلن

کوی خون بیدان کلار سی

کمرستی و صحرای بی

لهر و عوان و مطهرت مار سی

و من بهب و دلی بسی لب

دل و دله هوای و چون حواری

بهر من من و منن محکم

مظلوم و اچ وید نیم مار

انسان و مراعت و صد ع

اسکانت پنهان دراری

مستم حلقه دهن سوکند

ومی داهل و به زیهار بی

بایس و حریان فوط المیدی

جون لوطل لطلاله سکاری

مرد دکی مصاعه سکاری

حرمه سه حری اسراواری

هرت حدست عینو دهرزون

رکی ارمان بندوی ماری

دوب مع است و حرمه ساری

فدوت سنت و سیم دجاری

عوت لوی است عوت بیکری

سک یک دراب سزاری

مستم

حکیمه را بیدان

اعتدال است جو علی پناهی

ز بی دل زده ار کل لاله بر غنای

شده و بوانه رک رکعت عقل سودای

مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن

کحوان این قطعه در کمر ح ای لور

دخوت حدیث شعر و معنی عالم و مهم و اما
عالم و حمله اسبوی حدت خون و جد و بها

عبارت و کت خون بوسن و معنی و دو

مخامنه و کمال کلبها مملوله می را می

بره بکلون و صعد و احد و صعد و صعد و کس

و فاره امه طام و صعد و لولای

الی نعم و رجب الم نعم و رجب

کمان دکن عطا پسر مدعی دود پیرای
رطب حرماد موان حوسه خون جوان حرام

کحل دلمه حرامان حوسه حرام

حسن است دولت که حوکل دسل و براده

جو کلان مردود و بوی سبب حرام

مس کلپاره اشوان کالو اشوان

سوط و صبت سی صود و دوا

سنام و کبر حده خون عرکه اسکم کوان دان

فوت سده حوامردی انصار حبس

ارست و نموده بر صحنه

حسرت رح دولت تار را

معون فاعلات معاعلین فاعلات

کبر معاع اندان کبر کبر
اصل

از من و سوره محمدی کرده و آن دگر
پولاد است حدش اسکاوت کعبه

حد و حوت خرس ملک کاسموی
منخن و معس کفس ساحون باحه
کرات و مرج و حران کین اندرون

بهمن و ناس مهلس و ب ابریر

حصه است و حایه غانه ز نامه
نعره معاک سده و راعه مار سه

کالوس و ان سکاحه و با عوط بدلان
جالوم هم سد و ناک برده در

سپلی و شمع و حد و دمه راه
در و دشر لوت و عطل و مور و زاب حور

در و دشر لوت و عطل و مور و زاب حور

در به داد لب بهر صد ادب نهر

ردل محبت برای علم لوسس

مفعول فاعلات معا عیال فاعلات

اسن نخر شد بهار ع سارس کورس

عقوبت کردم است همه ابرار دمس

حصه حصه در همه محون کسان کس

اعضا کرد باد حو کما کح و شمال

بالا جنوب حد صا لوسس

حمی است صداع و ذوات کبا دمس

در دوسه ددان جگر دمرج دمرج دمس

سر درشتی در عجب کیم دمرج دمرج

بش عا بر این ششم حو ل شرف دوان کس

اکل فراخ چشم حوا کل سیه کس

آتشیل لوست حشتم خون در راه خوش
ای نکرد صفت رده خوان

همچو اعم سه برده ماه تابان دانه

فانغلاتن فاعلاسن فاعلاسن فاعلات

میت اسن کر ریل خوشخوان لهور حشره

سبع موم در لک و برج با سره حد بشرد

سادن حیف و غلشت و سا اموره

لجه سوراخ است و نخل داس سر هم کرد

کلبسان باشنه است و کلوب ابر و مسار

سبع مالی و لعن و هم و هم سر اسال

حسرون سبده عجزه در دس و سبده

عده بالا سفل نشی و مل داسن و نو کوسک

چدم بیان اساس اصل است و سره نکرده

مقدم العین سب واهی بوقی موقی تانی

کج حرم صبر سنیال و بارل مسخره

جور کور باد است عی حانه رب

جون سطر طشت مالوده سمن دراد

جولس لغت اعمال صحن دان و محس

رودت سکر کن سب لکن سکر کن دوزه

ای سکر ابرود مہر ابرود و سمن

کہ کسب یاروی کوزدو مفاہلہ

معقول فاعلات مفاہیل فاعلات

شمرنده کشت رفت برامج نو

حاج رون محمد کوز حلوہ محمد

واعل درون طبق موهو کشت

دوازده

والوقت نهدانه لطف حرم لوره
چون کنگر کاکت و مرض کلیه ناعله
مور حو حارثت و سلحها سکر

صبر سوسمار و صرع حور و رق و لبر
صبر حکا و صفرق و فرق و دماغ متر

ام الدماغ حای دی و حمه کلیه
طلو و محاصره و دره عیل شیره حل

ادره عود و سراجدری و لبط ایله
وضع آن که

سن انکه دارد کوه سابد لفا
مطبوع کجیه سز و کعه مور خوش

العه و یک سانه و طهر
کج کشتیان و دغل سز و لیا

مجدات پیکر بسی وجود ان
و جبر و ملحق بود و محنت

کارن کاود کای دکا

امهای سمران و ملک

همه اسرار کسش کر

صالح و مودود و طبار سعت

بار لوح و تحسید اند پس

مرح جلد لعله و الحما

جبر و دان و مودود

سنان و مودود

نمونه دست و روفر

در دکل وان بند با سبی ۱۹۵

ارح و طیب د ان غم کو بیا

نعم و خوش چهار ماه طمع

دود حله دست و اسرا

ع اس

مثل د کهوست سه زند بنما

اس اس اس اس اس

پدر و مادر اوم و جوا

ممت تمام شد کار لطیف شد کتاب نهاب تبارخ ان استم بر فتنه

۵۲ افق علی مطالع نندی سمریدی ماه کامل بوم کرب

دقت شب در سده لایحه محله لوسه به بجان مهالاح ملو کینه خط

نبده سیمو سیمای دلد حی لیل کانه سمری با سب کبری کبر

طوبه و عباد

قدیم شاه جهان یادمورت اخصام یافت
بکره خواند طمع دعا دارم
را نده منند دانه



کخارم





